

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

کار مشترک: مریم امانی و امیرجوهری لنگرودی
۰۱ می ۲۰۱۹

درآستانه اول ماه مه، روز جهانی کارگر یازدهم اردیبهشت سال ۱۳۹۸

سیری گذرا در روند مبارزه کارگران ایران در سالی که گذشت!

(بخش اول)

شناسه بحث:

بدون تردید مراجعه آماری به اخبار روز شمار کارگری هفته، طی سال ۱۳۹۷، که ۵۲ هفته سال را پوشش می دهد، کمک می کند که بشکل مستند با خوانندگان این ارزیابی، وارد گفتگو گردیم.

حجم اخبار کارگری فراهم آمده در ۵۲ هفته، رقم بالای ۵۰۰۰ خبر را در خود جای داده است. نیک مطمئنیم که اخبار ثبت شده، به وسعت همه عرصه های فعالیت های اردوی پُرقدرت کار و کارگری سال ۱۳۹۷ نیست که به ثبت رسانده ایم ولی آنچه در توان ما بوده و توانستیم طی سال بلاانقطاع و بدون وقفه جمع آوری نمائیم، همین تعداد است.

در این میان همکاری رفیق مریم امانی در کار استخراج اخبار از میان خیل بیش از پنج هزار خبر، محور های مربوط به پرستاران - وضعیت زنان - کودکان خیابانی کار و شناسه محور حقوق های معوقه را با رقم ۶۵۹ مورد، بعنوان گرهی ترین مطالبه پاسخ نگرفته اردوی پُرشمار کارکشور طی ۱۲ ماه سال ۹۷ را شمارش نمودند، چنانچه این همکاری میسر نمی شد، امر دست یافتن به این داده ها برایم به مراتب دشوار می شد. برایم این تجربه همکاری بغایت آموزنده و درس آموز بود و از حوصله و صبوری رفیق م. امانی بسیار موختم.

باید یاد آور گردیم؛ این اخبار همه مصادیق خبری لایه های اردوی کار را پوشش می دهد. آنچه که آمده است حول وضعیت: زنان و مردان کارگراعم از: پرستاران - کودکان کار - فعالان کارگر احضار و دستگیر شده و زندانی - جنبش پُرقدرت معلمان؛ بازنشستگان کشوری، لشکری و فرهنگی، دانشجویان فارغ التحصیل دختر و پسر بیکار - فعالان محیط زیست - تحرکات کشاورزان روستائی - تحرکات اعتراضی کارگران بخش های خدمات، کارگاههای تولیدی، صنایع و معادن و ارتش میلیونی بیکاران، وسعت عمل دست فروشان و ضرب و شتم آنان، کولبران، در کنار اختلاس ها و دزدی ها و تحرکات مال باختگان، و قاچاق کالا و حوادث حین کار که شاخص دشواری های حین کار، کارگران بخش های مختلف را به ثبت رسانده است.

برای دست یابی به اصل خبرهای روز شمار کارگری هفته سال ۹۷ و آرشیو در دست تدارک دیگر سالها با مراجعه به سایت "روز شمار جنبش کارگری ایران" به نشانی زیر، می توان عینا به کل خیرها دست یافت.

مدخل بحث :

بهتر آن دیدیم که ابتداء مقایسه باید و نباید های جنبش مطالباتی سال ۱۳۹۷ را در مقایسه با سال پشت سر گذاشته (۹۶) بر شمردیم. تا بتوان سایه و روشن های دقیق تری بر آنچه در سال ۹۷ شاهدیم، داشته باشیم!

در سال ۱۳۹۶ نمودار کارکردی دولت روحانی را باید در مضمون شعار " اقتصاد مقاومتی، تولید و اشتغال"، قول اعلام شده خامنه ای در نوروز سال یعنی همان نطفه ناقص الخلقه ای دید که طی سال پشت سر گذاشته شد. همه ما شاهد بودیم که باسیاست های به خدمت گرفته شده دولت روحانی، در اساس نه اشتغال کافی و وافی و درخور قابل فهمی در عمل تراشیده شد و نه تولیدی افزایش یافت بلکه شعار اقتصاد مقاومتی به مثابه طبل توخالی، در عمل اجتماعی، و در زندگی کارگران و شاغلین، محلی از اعراب نیافت.

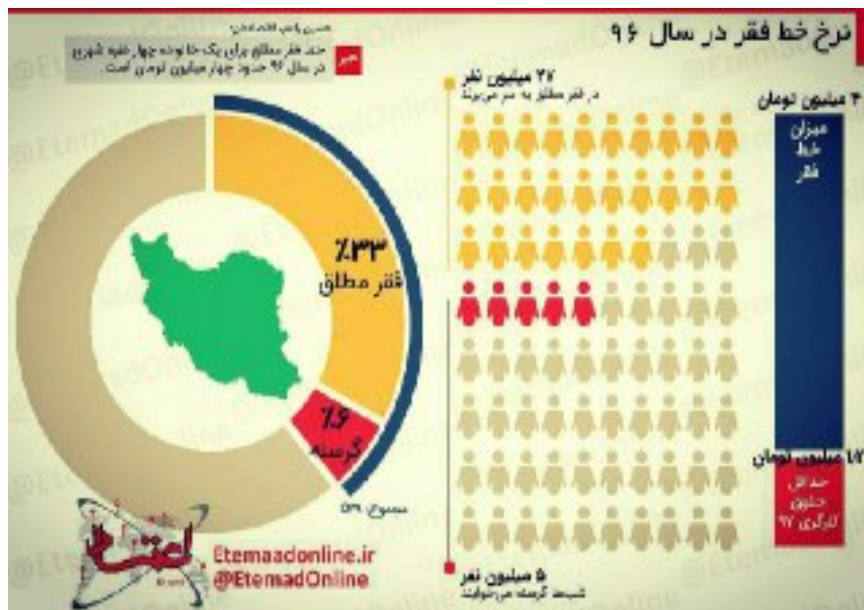
نوروز ۱۳۹۷ از راه رسید. خامنه ای اینبار سرفصل کار سال را با شعار " حمایت از کالای ایرانی " معرفی کرد. طی تمام سال ما شاهد این بودیم؛ نه وسعت توسعه اقتصاد کالای داخلی و حمایت کالای ایرانی رو به رواج افتاد و نه چرخشی در گشایش روند به تزیاید تولید داخلی دیده شده است. آنچه وسعت یافت؛ ورود کالا و گسترش واردات است. در این میان، دولت در واگذاری صنایع به بخش خصوصی و گسترش خصولتی صنایع دست داشته و سرمایه داری بخش خصوصی به مدد سپاه پاسداران کارگذار دستبرد اموال عمومی از قبل واردات بیرویه و از قبل اسکله های پُر و پیمان زیر کنترل آنان صورت می گرفت. و ارسی اجمالی کارکرد دولت روحانی طی دو سال ۹۶ و ۹۷ به ما نشان می دهد که محوری ترین قول های دولت به جنبش مطالباتی ایران را می توان حول مولفه های زیر فرموله نمود :

- بالا بردن حقوق ها .
- پائین آوردن تورم (گرانی ها) .
- افزایش اشتغال .
- کم کردن بیکاری ها .
- توجه به موقعیت تامین اجتماعی .
- تثبیت موقعیت حق شهروندی.
- رفع کاستی ها و ناراستی ها در جامعه .

آیا این قول ها محقق شده است ؟

سال ۹۶ ؛ سالی بود که در حوزه اقتصاد، سیاست و در حوزه معیشتی خاصه امنیت شغلی و گسترده فقر، بیکاری و فساد اجتماعی، اختلاس و دیگر عرصه های زندگی مزد بگیران؛ هیچکدام از وعده هایی که دولت روحانی داده بود، عملی نشد که هیچ، بلکه در عوض به اردوی میلیونی کارگران همه جا تعرض و فشار به زندگی آنان وارد گردید. چنانچه سال ۹۶ این بود، سال ۹۷ ویران سرایی بیش نبوده است. به گزارش بخش فارسی بی بی سی، سازمان عفو بین الملل: " سال ۲۰۱۸ را برای ایران سالی شرم آورو خجالت انگیز دانست. این گزارش در تاریخ روز پنجشنبه ۴ بهمن ماه ۹۷، ضمن تأکید بر بازداشت شدن بیش از ۷ هزار تظاهرکننده، دانشجو، خبرنگار، فعال محیط زیست، کارگر و مدافع حقوق بشر که شامل وکلا و فعالان حقوق زنان، فعالان حقوق اقلیت ها و فعالان حقوق کارگران می شوند، به صورت غالباً "خودسرانه و غیرقانونی" دستگیر و بازداشت شدند". از قول فیلیپ لوتر مدیر بخش خاورمیانه و شمال آفریقا در سازمان عفو بین الملل اظهار داشت: "تاریخ سال ۲۰۱۸ را به عنوان سال تنگ

جمهوری اسلامی ایران ثبت خواهد کرد. طی این سال، مقامات ایرانی سعی کردند که با لگد مال کردن بیش از پیش حق آزادی بیان، تشکل و تجمع مسالمت‌آمیز و انجام دستگیری‌های گسترده، هر گونه صدای اعتراضی را در لحظه‌ی بروز خفه کنند". (۱)



باید گفت: سال ۹۷ در شرایطی آغاز شد که دستمزدهای چهار برابر زیر خط فقر بر کارگران تحمیل شده و در عین حال شیرازه های اقتصاد و اداره جامعه به شکل غیرقابل کنترلی در حال از هم گسیختگی است. در این میان جناح‌ها بر سر قدرت برای بقاء و تامین منافع ضد انسانی خود هیچ برنامه ای جز تحمیل فلاکت فزونی و فقر بیشتر به میلیون‌ها کارگر زحمتکش و بخش‌های دیگر جامعه ندارند. می‌توان مصادیق این حرکات تعرضی سرمایه به زندگی کارگران را در ابعاد گوناگون آن برشمرد و شاهد مثال‌ها را ذکر کرد. در گزارش روز شمار کارگری هفته از پنجاه روز اعتصاب غذای رضا شهابی در زندان اوین و در زندان ماندن بهنام ابراهیم زاده فعال حقوق کودکان خیابانی و در زندان ماندن معلمان شناخته شده اسماعیل عبدی - محمود بهشتی لنگرودی - محمد حبیبی - سید هاشم خواستار و نسرین ستوده وکیل جسور و شجاع و مدافع زنان خیابانی مخالف حجاب اجباری - از زندان آتنا دائمی و نسرین محمدی مدافعین حقوق بشر و دهها کنشگر و فعال مدنی و مدافعان محیط زیست و در اویش و ... به دفعات گزارش شده است.

طی دو سال گذشته، اگر قراره از امنیت شغلی کارگران صحبت کنیم. طرح اخراج (تعدیل) نیروی کارگران در خیلی از عرصه‌ها برای بیکارسازی وسیع کارگران همچون سال پیشترش (۱۳۹۵)، بلاانقطاع پیش رفت! مثلا در حوزه رودرویی با گستردگی بیکاران فارغ التحصیل شده زنان و مردان دانشگاهها، "طرح کارورزی" را بخدمت گرفتند. طرح کارورزی یک تعرض همه جانبه به نیروی بیکاران فارغ التحصیل یا تعرض به نیروی کار کل جامعه بود تا ارزش نیروی کار را پائین بیاورند. از اینرو سال ۹۶، سال شکست در پاسخ به بحران بیکاری بود. ما آمار دقیقی از بیکاران نداریم ولی بخشی از اقتصاددانان چپ و سوسیالیست رقم بیکاران را بین ۷ تا ۸ میلیون هم شمارش کرده اند. اگر بپرسیم: طرح‌های دولت روحانی در مبارزه با بیکاری به کجا کشید؟ آیا اینها طرحی برای پاسخ به بیکاری ارائه دادند؟ پاسخ یک کلمه است: نه

نمایش گسترده فقر و آمار بیکاری در ایران :

همین ماجرا در سال ۱۳۹۷ به وحشتناک ترین شکل جلو رفت . هر چند آمار رسمی روشنی از حجم بیکاری در کشور موجود نیست، ولی منابع آماری اعلان داشته، این و آن مرجع در سطح خبرگزاری های رسمی، حشو و زواید کار را برای ما روشن می سازد . مثلاً محمد رضا بادامچی، رییس فراکسیون کاروکارآفرینی مجلس شورای اسلامی اعلام می دارد: « که ۲۰ میلیون جوان ۱۵ تا ۲۹ ساله بیکار هستند.» اومی گوید: « اکنون یک نفر از شش نفر در جامعه ایرانی کار می کنند، قریب به ۲۰ میلیون نفر جوانان ۱۵ الی ۲۹ ساله کشور بیکار هستند. نرخ بیکاری مردان در بین سنین ۱۵ الی ۲۹ سال، معادل ۲۱ درصد و زنان ۴۰ درصد است لذا در این شرایط رکود اقتصادی باید به رونق مشاغل کوچک و خانگی توجه شود، چرا که بسیار ضروری هستند...» (۲) یا دکتر ابراهیم رزاقی استاد اقتصاد دانشگاه تهران ، در گفت و گو با خبرنگار گروه اقتصادی [خبرگزاری فارس](#) استان تهران درباره عملکرد اقتصادی دولت اظهار داشت: « برخلاف آمارهای دولتی در بحث بیکاری و اشتغال، پانزده (۱۵) میلیون بیکار در جامعه داریم و جوانان بسیاری جویای کار هستند.» وی ادامه داد: « اگر رئیس جمهور دنبال اشتغالزایی برای جوانان در چهار سال گذشته بود، آمار جوانان جویای کار و بیکار به این رقم نمی رسید؛ شاهد رشد نرخ بیکاری در این سالها هستیم.» (۳) به هر صورت جستجو در باب بیکاری در برابر آمار رسمی دولتی ما را با واقعیت های ارقام بالا روبرو می گرداند.

می توان گفت : دولت حسن روحانی در اساس هیچ طرحی برای کاهش واقعی بیکاری عرضه نداشت ! دولتی که می خواست یک میلیون و دویست هزار شغل و بیشتر در سال ایجاد نمایند ، آیا موفق شدند تا ۴۰۰ و ۶۰۰ هزار شغل بوجود آورند ؟ یعنی اگر بخواهیم بیان کار اینها را دنبال بکنیم ؛ در اساس نتوانستند، کار ایجاد بکنند. نتوانستند شرایط کار را به طور واقعی به نفع نیروی کار بهبود ببخشند . نتوانستند به هیچ سطح از نیازمندی ها طبقات نیازمند پاسخ دهند و در یک کلام هیچ جا شرایط کار به نفع کارگران بهبود پیدا نکرد.

از اینرو رد پای رکود و تعدیل گسترده نیروی کار کشور را باید در آمار بیکاری دید. از یک سو؛ منتقدان دولت از آمار "واقعی" تا ۱۵ میلیون "بیکار پنهان" خبر می دهند. مرکز پژوهش های مجلس پیش بینی کرده بود که نرخ بیکاری در سال ۱۴۰۰ در " سناریوی خوش بینانه " به حدود ۱۶ درصد و در " سناریوی بدبینانه " به حدود ۲۶ درصد خواهد رسید. فراتر از این چنانچه بخواهیم خبر بیکاری سال ۹۷ را دنبال کنیم . خبرگزاری تسنیم - که خود به سپاه پاسداران نزدیک است - در رابطه با پایگاه خبری سپاه قدس، مستندا با انتشار اسنادی اعلام نوشت : « شاپور سامعی نایب رئیس انجمن قطعه سازان در نشست خبری اعضای این انجمن با ابراز اینکه امروز باید به صنعت قطعه سازی کشور تسلیت بگویم، اظهار داشت: « قطعه سازان روزهای بدی را می گذرانند به نحوی که ضمن تعدیل نیرو شیفتهای کاری خود را هم کاهش داده اند. کنار این موضوع نزدیک به یک هفته است که با ابلاغ آیین نامه جدید قطعه سازان امکان ترخیص کالاهای خود از گمرک را ندارند... احتمال تعدیل نیروی ۴۵۰ هزار نفر در صنعت قطعه سازی از اول شهریور امکان تولید قطعه نداریم» در این رابطه سید مرتضی مرتضوی رئیس هیئت مدیره انجمن قطعه سازان نیز تأکید کرد: « جریان انحصار در صنعت خودرو باید رفع شود. نباید تعدادی قطعه ساز عضو هیئت مدیره خودرو سازان شده و با این عملکرد به صورت انحصاری قطعات خود را در شرکت های خودروساز به فروش برسانند این نوعی انحصار است و باید با آن برخورد جدی صورت گیرد.» (۴) فروریختن یگانه نان آور خانواده در چرخه ۴۵۰ هزار خانواده ، ما را با نیروی میلیونی سفره های خالی بیکاران امروز که شاغلان دیروز بوده اند، روبرو می نماید!

و همین سطح وسعت بیکارشدن ها است که می توان نوشت: درکشور ما، برپایه آمارموجود ؛ چیزی در حدود ۳۳ درصد جمعیت ایران، یعنی تقریباً ۲۷ میلیون نفر در وضعیت «فقر مطلق» به سر می‌برند و ۶ درصد، یعنی حدود ۵ میلیون نفر دچار «گرسنگی» هستند و این نشانه ها همانا در سیمای فقر سال ۱۳۹۶ بجا مانده است .

از دیگر سو؛ آمار بیکاری نشان می دهد؛ که از بیکاران کشور، ۵۴.۳ درصد، درگذشته شاغل بودند و ۴۵.۷ درصد، نیز بیکاران بدون سابقه شغلی هستند. اصلاح ساختار و «تعطیلی صنایع تولیدی یا تعدیل نیروی کار» و «موقتی بودن مشاغل» هر کدام از آنان دو عامل بیکاری افراد دارای سابقه شغلی است. این دو عامل، نشانگر رکود اقتصاد، اخراج گسترده نیروی کار، و ضد اشتغالی بودن سیاست های اقتصادی نسخه «تعدیل» یا «مقاومتی» است. در تمامی طول سال پشت سر گذاشته ، رژیم " بیم و امید" با سیاست های ناعادلانه خود ، بیکاری میلیونی در سطح جامعه می پراکند و هرکجا اعتراض بیکاران را دید با نیروهای ضد شورش به سر وقت بیکاران مطالبه گر رفت و کوبید و بازداشت نمود. موج دستگیری وزندان کشاندن و صدور صد ها حکم زندانی، حاصل این رودرویی است که نمود آن را در بیشمار اخبار و گزارشات می توان دید.

روزشمارکاری، در تمامی دو سال ۹۶ و ۹۷ به ما نشان می دهد؛ فقط هم کارگران نیستند که سرکوب می شوند. بحران آب و خشکسالی سال های اخیر و خاصه آنچه در سال ۱۳۹۶ حدت یافت ، وضعیت کشاورزان روستایی را هم به همین نحو به مهمیز سرکوب و درگیری درآبادان و اهواز، یزد و اصفهان کشاند! درحوزه ازهستی ساقط کردن فعالان زیست محیطی و دانشجویی ، زنان و معلمان، بازنشستگان و دست فروشان و زحمتکشان مرزی کولبران و جمعاعات مالباختگان همواره و در تمامی موارد، حاکمیت با اعمال خشونت و سرکوب قداست حاکمیت اسلام ناب محمدی را در برابر این سطح از اعتراضات و تحرکات مطالباتی به ثبوت رساندند!

در رابطه با وضعیت کشاورزان روستایی و کارگران ؛ نگاهی به ساختار دو وزارتخانه (کشاورزی و جهاد سازندگی) و وزارتخانه (تعاون، کار و رفاه اجتماعی) و شمای آنچه که در درون مجلس در مقطع استیضاح وزیر آن (محمود حجتی نجف آبادی- علی ربیعی) در اسفند ماه ۱۳۹۶ ، اتفاق افتاد، نشان داد ؛ جلسه استیضاح وزیر کشاورزی محمود حجتی نجف آبادی در مجلس اعلان شد که: « حجتی کشاورزان، روستاییان و دامداران را به خاک سیاه نشانده است»، در همین جلسه علنی مجلس ، صدیف بدری سخنگوی کمیسیون عمران و از موافقان استیضاح گفت : « حجتی به همراه دولتمردان، کشاورزان، روستاییان و دامداران را به خاک سیاه نشانده، در واقع آنها مرده اند و فقط تشییع کننده می خواهند» ، بدری خطاب به حجتی، گفت: «شما که در دولت های مختلف وزیر جهاد بودید، بیشترین نقش و کوناهی در خالی شدن روستاهای کشور و کاهش جمعیت آنان از ۷۰ درصد به کمتر از ۲۵ درصد فعلی هستید و باید در این رابطه پاسخگو باشید.» (۵)

وزارت جهاد کشاورزی، وزارتخانه زمین خواری شده. قیمت خرید تضمینی گندم پس از گذشت ۶ ماه نیمه دوم سال هنوز اعلام نشده است. مهرداد لاهوتی نماینده لنگرود در همان جلسه استیضاح اظهار داشت: « تولید نخ ابریشم از سالانه هزار تن در دوران مدیریت شما به ۱۰۰ تن رسیده است. تعرفه واردات از ۲۰۰ درصد به ۱۰ درصد کاهش یافته است.

وی خطاب به حجتی گفت: « شما چای کشور را نابود کردید. شما هنوز پول چایکاران را نداده اید.»، لاهوتی با انتقاد از افزایش واردات برنج گفت: « سه هزار هکتار از زمین های کشاورزی تغییر کاربری پیدا کرده و تبدیل به ویلا و ساختمان شده است. شما برنج کاران و کشاورزان را سرایدار کردید.» او گفت : « آقای وزیر ، جلوی همکاران خود را بگیرید. در بهترین نقطه شهر من ۲۰ هکتار از زمین ها بین همکاران شما توزیع شده است.» (۶)

استیضاح علی ربیعی از این بدتر خود را نمایند. شهاب نادری، نماینده مردم پاوه و جوانرود در مجلس ایران، روز یکشنبه ۲۰ اسفند ۹۶ در نشست علنی در موافقت با استیضاح علی ربیعی وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی گفت: «نتیجه عملکرد ۶ ساله وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی این است که ۸۰ درصد از جامعه ایران زیر خط فقر هستند.»

شهاب نادری تخلفات گسترده در مجموعه وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، را به شکل زیر برشمرد: «سوءمدیریت به واسطه انتصابات افراد ناشایست و ناکارآمد و غیرتخصصی» و همچنین «عدم کارآمدی و پایین بودن نرخ بازده سرمایه‌گذاری» را نتیجه عملکرد شش ساله این وزارت خانه دانست.

نادری که عضو کمیسیون اقتصادی مجلس است، در ادامه گفت: «معاون شما در روزنامه اعتماد، نرخ خط فقر را ۷۰۰ هزار تومان اعلام کرد تا شما را قهرمان نشان دهد در حالی که طبق نظر کارشناسان، حد نصاب خط فقر ۲.۵ میلیون تومان است.» وی ادامه داد: «در نتیجه سیاست‌های غلط این وزارتخانه، ارزش دارایی و سرمایه کارگران به دو درصد تنزل یافته است، در حالی که اگر این را در بانک می‌گذاشتند، ۲۰ درصد ارزش افزوده می‌داشت.»

وی در پایان با اشاره به تظاهرات اعتراضی مردم در دی ماه سال جاری هشدار داد که «امروز وجود جوان بیکار مشکل امنیتی به بار می‌آورد و جوان بیکار در تهران آسیب اجتماعی به دنبال دارد.» (۷)

سرانجام علی ربیعی وزیر کار، تعاون و رفاه اجتماعی، با اختلاف یک رای از مجلس رای اعتماد گرفت، هر چند که فرصتی دیگر مجلسیان، علی ربیعی را مجبور به کنارگیری ساختند:

جزییات رای اعتماد مجدد به ربیعی

تعداد آرای ماخوذه: ۲۵۳ رای

تعداد آرای موافق: ۱۲۶ رای

تعداد آرای مخالف: ۱۲۴ رای

تعداد آرای ممتنع: ۲ رای

تعداد آرای باطله: ۱ رای

یعنی ما از هر زاویه ای به وضعیت نیروی کار سراسر کشور نگاه بکنیم، می بینیم که در هیچ حوزه ای بهبود پیدا نکرد.

بیشتر هم یاد کردیم: در سال ۹۷، یکی از حوزه ها که خیلی مهم بنظر می رسید و بنوعی پلاتنوم اعلام شده سرمایه داری ایران شمرده می شود، حمایت از تولید کالای داخلی است. در ایران همه این را برسر زبان می رانند. جانبداران اقتصاد بازار، نئولیبرال ها، طرفداران ترامپ و همینطور همه چهره های دولت حسن روحانی، از همین رو خامنه ای در آستانه سال جدید شعار "حمایت از کالای ایرانی" را علم کرده است. تاسف بار اینکه در نمی یابند چگونه می توان کالای داخلی را مورد حمایت قرارداد؟ کسانی که در تمام زندگی خویش به کالاهایی که شامل پارانه ی دولتی می شود وابستگی و نیازی نداشتند و ندارند با بحث های دهان پر کن خویش، دولت ها را به حذف این پارانه ها فرا می خوانند تا راه را برای عملکرد بازار هموار شود. هم اینان خواهان واگذاری موسسات دولتی به بخش خصوصی می باشند تا به خیال خام خویش در برابر بوروکراسی فاسد و تن پیروری که بر جامعه حاکم است، نخبگان اقتصادی و آقا بالا سری های تازه ای ایجاد نمایند. غافل از اینکه وقتی اموال مملکتی اینگونه چوب حراج می زنند، متقاضیان خریداری این اموال به حراج گذاشته، همان بوروکرات ها، همان آقا زاده ها، ژن های برتر، مافیای سپاهی هستند که تا دیروز در سایه عمل می کردند، امروز از قبل همین واگذاری ها و برنامه ها با عنوان پر طمطراق "کار آفرینان

" قانونیت می یابند و تار و بود اقتصادی را در دست می گیرند. پرسش اساسی این است که آیا اینان در اساس به حمایت کالای داخلی می اندیشند؟ نمی توان از یک طرف صنعت کشور را چوب حراج زد، و واحد های تولیدی را به تعطیلی برد و از طرف دیگری، داعیه تقویت کالای داخلی داشت!

حسین کمالی دبیرکل حزب اسلامی کار، درخصوص تعطیلی بیشمار واحد های طولانی، درابتداء سال در خبرگزاری ایلنا در تاریخ دوازده اردیبهشت ۹۷، اعلام می کند: «... تا زمانی که تولید صورت نگیرد و سودی ایجاد نشود همه سعی می کنند که از همدیگر بخواهند و بکنند و به یکدیگر به نوعی فشار وارد کنند درحالی که اگر سود تولید شود می توان درباره نحوه توزیع آن صحبت کرد. ما اکنون سود را در خیلی از زمینه ها غیر از موارد استثنا، نمی بینیم. بسیاری از واحدهای تولیدی که در گذشته فعال بوده اند دیگر وجود ندارند. هم اکنون حدود ۱۴۰۰ واحد تولیدی مشکل دارند که همه اینها خبر می دهد که اصلاح ساختار اقتصادی اجتنابناپذیر است و نمی توان از آن چشم پوشید. اگر اصلاح ساختار اقتصادی انجام نشود؛ آن واحدهایی که وجود دارند و غیرمزیتی هستند نیز تعطیل خواهند شد. تعداد کسانی که شاغل در این مجموعه واحدهای تولیدی هستند عدد بزرگی را تشکیل می دهد، فاصله جمعیت فعال با جمعیت شاغل است که جمعیت بیکار را شکل می دهد. بیکاران برای حاکمیت می توانند به عنوان منبع خطر تلقی شوند. البته این را هم بگویم که خیلی به آمار ارائه شده ایمان ندارم و آنها را دقیق و درست نمی دانم. برای نرخ بیکاری در طبقات مختلف اجتماعی و سنی اعداد و درصدهای مختلفی می دهند که هیچ کدام از دقت کافی برخوردار نیستند. حتی نوع تعریفی که از شاغل و بیکار می دهند قابل تردید است وقتی که می گویند اگر کسی در هفته یک ساعت کار کرد بیکار نیست! این را بر چه مبنایی گفته اند؟ شاید تاجر در هفته یک ساعت کار کند و شاغل تلقی شود و زندگی اش بچرخد اما کارگر با یک ساعت در هفته زندگی اش نمی چرخد بنابراین نمی توان گفت او شاغل است.»

پرسش اساسی اینست که؛ شما اگر بخواهید، تولید داخلی ایران رونق پیدا کند، باید این قوانین سفت را پیاده کنید. آیا این کار را به انجام می رسانید؟ اصلاً برای دولت روحانی تولید داخلی به آن معنی وجود ندارد. وقتی ورود بیرویه ترین شکل کالا و خاصه قاچاق واردات توسط عوامل خودی آقا زاده ها، آیت الله های ماهی خوار - شکر خوار - زمین خوار - جنگل خوار - پارچه خوار - پسته خوار - زعفران خوار - برنج خوار و ژن های برتر آنها صورت می گیرد. جدا از این ها، اگر کار کنترل تعرفه گمرکی را به انجام نمی رسانید و بر سر راه ورود کالاهای مشابه تعرفه های سنگین نمی گذارید تا قدرت کالاهای داخلی را بالا ببرید؛ حداقل قاچاق بیرویه کالا را نباید سازمان دهید.

بزبانی اگر خوب نگاه کنیم و بپرسیم، دست آورد دولت روحانی در تمام سال ۹۶ و ۹۷ در زمینه قاچاق کالا چه بود؟ جالب است که بگویم: حسن روحانی خود سپاه پاسداران را برای مبارزه با کالای قاچاق به پیش صحنه آورد... یعنی در دولت ایشان، قاچاقچیان اصلی، خود مامور مبارزه با قاچاق شدند... آنها از طرف کی و کدام مرجع سیاست گذاری؟ از جانب خود رئیس دولت، شخص حسن روحانی... معلومه نتیجه اعمال چنین سیاست گذاری چه می شود؟ نتیجه اش را می توان در دفن عکس کارخانه بافندگی قائم شهر دید. دفن آن عکس معنای زیادی دارد... شاید پرسیده شود کدام عکس؟ عکسی که به نام مادر صنعت نساجی در قائم شهر مازنداران... عکسبرداری شده، بعد تر خواستند آن عکس را دفنش بکنند. چون آن سند تصویری نشان می دهند که صنعت نساجی ایران در دو مرحله با واگذاری واحد نساجی قائم شهر به شهرداری به گل نشست.

حدت واردات و کالای قاچاق به ایران :

ارائه یک گزارش آماری از واردات کالا طی سال ۱۳۹۶ به روشنگری امر کمک بیشتری می کند و راحت تر می توان به مقام مقایسه با سال ۱۳۹۷ بر آمد. خبرگزاری دولتی مهر گزارش می دهد: «در ۱۲ ماهه سال ۹۶ به میزان ۵۴ میلیارد و ۳۰۲ میلیون دلار انواع کالا وارد کشور شد که در مقایسه با مدت مشابه سال قبل آن ۲۴ و ۳۱ صدم درصد افزایش را نشان می دهد. عمده ترین دلایل افزایش واردات به کالاهای اساسی، قطعات منفصله خودرو و کالاهای سرمایه ای مربوط می شود...» و می نویسد: «اقدام عمده وارداتی در مجموع سال ۹۶ نیز به ترتیب شامل قطعات منفصله جهت تولید خودروی سواری با یک میلیارد و ۸۰۱ میلیون دلار، نرت دامی به ارزش یک میلیارد و ۶۱۰ میلیون دلار، برنج یک میلیارد و ۲۱۴ میلیون دلار، لوبیای سویا با ۹۴۳ میلیون دلار و وسایل نقلیه موتوری با حجم سیلندر ۱۵۰۰ تا ۲۰۰۰ سی سی بجز آمبولانس و هیبریدی به ارزش ۸۰۹ میلیون دلار بوده است.» و عمده ترین کشور های طرف قراردادها را بدین شرح معرفی می کند: «عمده ترین خریداران کالاهای ایرانی در ۱۲ ماهه سال ۹۶ به ترتیب شامل چین به ارزش ۹ میلیارد و ۶۵ میلیون دلار، امارات متحده عربی با ۶ میلیارد و ۷۶۴ میلیون دلار، عراق با ۶ میلیارد و ۴۲۵ میلیون دلار، جمهوری کره با ۴ میلیارد و ۳۸۰ میلیون دلار، ترکیه با ۳ میلیارد و ۹۹۱ میلیون دلار بوده است.

کشورهای عمده صادرکننده کالا به ایران در مدت یادشده به ترتیب شامل کشورهای چین با ۱۳ میلیارد و ۲۱۶ میلیون دلار، امارات متحده عربی با ۱۰ میلیارد و ۶۷ میلیون دلار، جمهوری کره با ۳ میلیارد و ۷۱۷ میلیون دلار، ترکیه با ۳ میلیارد و ۱۹۳ میلیون دلار، آلمان ۳ میلیارد و ۸۳ میلیون دلار و همچنین سایر کشورها ۲۱ میلیارد و ۲۶ میلیون دلار بوده است.» (۸)

ایضا در سال ۱۳۹۷ نیز به گزارش خبرگزاری دولتی مهر از قول مهدی میراشرفی، رئیس کل گمرک ایران، بار دیگر کشور چین را شریک اول تجاری ایران معرفی می کند. در گزارش آمده است: «هدی میراشرفی عصر دوشنبه با سفر به خوزستان در حاشیه بازدید از گمرک بندرامام خمینی در جمع خبرنگاران اظهار کرد: همانطور که خوزستان به لحاظ کلی یک استان راهبردی در زمینه های مختلف کشاورزی، معدنی، صنعتی، اقتصادی، تجارت و بازرگانی است در بحث گمرکات نیز مجموعه ای از تمامی مرزها را در این استان داریم به نحوی که گمرکات بنادر دریایی، مرز هوایی و خشکی این استان با کشورهای همسایه است. وی با اشاره به نگاه کشور به همسایگان در بخش تجارت خارجی افزود: این نگاه به تجارت خارجی مخصوصاً با کشورهایی که شریک اول و دوم تجاری در همسایگی ایران هستند، بسیار پررنگ تر است.

رئیس کل گمرک ایران با اعلام خبر صادرات ۴۰ میلیارد دلاری (نفتی و غیرنفتی) به کشور عراق در ۱۱ ماهه اول سال جاری تصریح کرد: کشور چین با ۸.۳ میلیارد دلار مقام اول شریک تجاری و کشور عراق با ۸.۲ میلیارد دلار شریک دوم تجاری ایران است...» وی بیان کرد: «طی ۱۱ ماه امسال ۳۸.۵ میلیارد دلار کالا به کشور واردات شده که ۱.۵ میلیارد دلار تراز تجاری مثبت است و از این ۳۸.۵ میلیارد دلار تقریباً ماهی یک میلیارد دلار آن واردات کالای اساسی به کشور است که به لحاظ وزنی نسبت به مدت مشابه سال قبل ۷۰۰ هزار تن افزایش داشت.» (۹)

امروز در ایران همگان می دانند؛ سپاه پاسداران، بیشتر از ۱۶۰ تا ۱۷۰ اسکله خصوصی دارند و در اساس خودشان دزدند. خنده دار نیست که رئیس دولت، پاسداران را به جنگ با قاچاق بگمارند. یعنی با قاچاقچیان کالا و دزدان سرگردنه، به دنبال قاچاقچی گشتن، راهی واهی بیش نیست! عبارتی دردل این صادرات و واردات کالا، علیرغم اینکه همگان می دانند ولی یک نکته پُراهمیت را نباید از یاد برد و آن اینکه؛ امروز در ایران سپاه پاسداران، بیشتر

از ۱۶۰ تا ۱۷۰ اسکله خصوصی دارند و در اساس خودشان دزدند. خنده دار نیست که رئیس دولت، پاسداران را به جنگ با قاچاق بگمارند. یعنی با قاچاقچیان کالا و دزدان سرگردنه، به دنبال قاچاقچی گشتن، راهی واهی بیش نیست! عبارتی واردات بیرویه و قاچاق شده، شغل های پایدار را که اساس توسعه اقتصادی است، بی معنا می کند. بدین معنا که در کشور بیکاری میلیون ها در پیش خواهد داشت. بزبانی با اشباع بازار با واردات ارزان این فرصت را نخواهند داشت و شغل پایدار که اساس توسعه اقتصادی است، حکم کیمیا را پیدا خواهد کرد. وقتی نوعیت واردات را در وارد ساختن (میخ - سنگ قبر - مهرنماز - سیر - چفیه - سیر - بیل و گریز - پونز و ...) عمدتاً از چین بوده است. رشد اقتصادی توأم با رشد بیکاری را نشان می دهد. اگر با واقع بینی بنگریم؛ وقتی دروازه های اقتصادی ملکت را باز کردند، در یک نگاه کسری تراز تجارت خارجی ما بیش از چند برابر شده است و رقم آنرا را در دوره های مختلف می توان برشمرد!

جدا از موارد فوق، امروز با حوادث وارد آمده بر صنعت هپکو - فولاد اهواز - نیشکر هفت تپه - ماشین سازی تبریز و صنعت دشت مغان و شرکت واحد اتوبوسرانی ... مشخص شد که کارگران قربانیان اصلی واگذاری کارخانه به بخش خصوصی تحت عنوان: اصلاح ساختار، بازسازی و بهسازی اند. این واگذاری در گذشته، امنیت شغلی کارگران کارخانه نساجی را به خطر انداخته به طوریکه زمانی در این کارخانه هزار و ۸۰۰ کارگر مشغول کار بود و هم اکنون این تعداد به حدود ۲۰۰ تا ۲۵۰ نفر کاهش یافته و در شرف تعطیل است و مرحله دوم، با ورود همین کالاهای قاچاق نابود شده است. خود این ماجرا نماد ورشکستگی رژیم اسلامی در حمایت از تولید کالای داخلی را نشان می دهد.

صندوق تامین اجتماعی و به ورشکستگی کشاندن آن :

هر جوینده ای خواست تا اطلاع یابد، بلایی که سپاه پاسداران روی دستگاه قاچاق رسمی جمهوری اسلامی و سیاست های ابلهانه اینها در زمینه واکنش به تولیدات داخلی، چه بر سر صنعت ایران و بنابراین بر سر طبقه کارگر ایران آوردند، بایستی صنایع نساجی قائم شهر را به جلوی صحنه آورند که عمدتاً نتیجه همین سیاست های غلط است که طی سال گذشته بدل به بیغوله شده است. در زمینه صنعت چای نیز با چنین دشواری در سال ۹۶ روبرو هستیم. تخریب ۱۴ هزار هکتار باغ چای در کشور، و ادامه می دهد: «... امروز میزان باغ های زیرکشت محصول چای در کشور از ۳۴ هزار هکتار به زیر ۲۰ هزار هکتار کاهش یافته است و به دنبال آن خیل زیادی از باغداران و همچنین کارگرانی که از کار روی این باغ ها نان می خوردند، بیکار و آواره شده اند.» روند این تخریب، «به دلیل کم لطفی و بی مهری مسئولان ... هم اکنون حدود ۱۵ هزار هکتار باغ قابل کشت داریم و بقیه مخروبه شده اند یا به سمت ساختمان سازی، ویلا سازی و تغییر کاربری رفته اند» (۱۰)

و اما صندوق بازنشستگی خودغوغایی است. ورشکستگی صندوق را باید از دوره احمدی نژاد دنبال کرد. در دوره زمامداری حسن روحانی، قرار گرفتن صندوق های بازنشستگی در آستانه ورشکستگی کامل، حذف عملی بودجه عمرانی کشور، ناتوانی دولت بدهکار در پرداخت مخارج جاری، وجود ۱۲ میلیون نفر زیر خط فقر و ۲۵ تا ۳۰ میلیون نفر زیر "خط نسبی فقر"، از دیگر خبرهای دهشتناک در رابطه با ابرچالش ها و نشانه های آن هستند. بنابراین ادعای باروری اقتصاد مقاومتی سال ۹۶ و تولید کالای داخلی سال ۹۷، وعده های سر خرمنی بود، که هیچ رونقی در زندگی کارگران و زحمتکشان ایران از خود برای طبقات محروم باقی نگذاشته شود. طرح دورکاری زنان که از دولت پیشین هم براه افتاده شد، امر به فراموشی سپردن زنان را به خدمت گرفت و متأسفانه آمار روشنی هم در این

رابطه نیست و این خود فرصت های مبارزه برابر را برای تحقق خواسته ها و مطالبات فوری شان را در سطح جامعه می سوزاند. باز پرداختن به همین ماجرای صندوق تامین اجتماعی طی هر دو سال آنچنان بالا گرفت که جیب بنفش خودی های "خانه کارگر"ی را نیز در آورد. به گونه ای که دولت در سال ۹۶ به جای اینکه ۱۴۵ هزار میلیارد تومان بدهی شان را به صندوق تامین اجتماعی بدهند، مصوبه (بند ز) گذراندند و همین امر علیرضا محبوب و حسن صادقی و اعوان و انصارش را وا داشت که به خیابان بیایند و جلوی کاخ شورای نگهبان خیمه بزنند و دادخواهی نمایند. این حرکت دولت و وزیر بهداشت بدین معنی بود، که با قدرت به طبقه ما اعلان دارند، وقتی دلمان خواست درون قلم تامین اجتماعی دست ببریم و از آن هزینه کنیم، عمل می کنیم. چرا؟ صرفا به این دلیل که بتوانند پول پروژه طرح پزشک سالار سلامت بهداشت را تامین کنند.

اعتراض سازمان داده شده از بالا هم بدین معنی بود، که بگویند سهم ابوابجمعی "خانه کارگر"ی ها را نادیده نگیرید اینگونه دزدانه و به شیوه جیب بری، نمی شود عمل کرد و بعد گفت: در دوره سعید مرتضوی هزینه های سنگین فراوانی به تامین اجتماعی وارد شد. دولت روحانی در تمام سال ۹۶ چوب حراج به صندوق اجتماعی زد. البته ما به هیچ وجه معتقد نیستیم که اگر خانه کارگر و دبیر مادام العمرش علیرضا محبوب و رهبر خود خوانده "اتحادیه پیشکسوتان جامعه کارگری" حسن صادقی و عواملش به منابع صندوق تامین اجتماعی دست پیدا کنند و یا این موسسه بزرگ در اختیارشان می بود یا اینکه امروز در اختیار آنها باشد، آنوقت منافع کارگران ایران از دستبرد دزدان مصون می مانند، نه از این خبر ها نیست. درست در همین شرایط آنها خودشان می خورند. کما اینکه در همین دعوا های اخیر هم یکی از بحث هایی که زیر دست و پا له شد، همین بود. الان شایستا(شرکت سرمایه گذاری تامین اجتماعی)، شرکت هایی هستند که مالیه صندوق تامین اجتماعی به آنها بستگی دارد. این شرکت ها را پیشتر در دوره احمدی نژاد، سعید مرتضوی به بابک زنجانی واگذار کرده بود و ماجرای آنرا همه می دانند، آنچنان به فنا دادند که علیرغم پرونده بیش از هزار صفحه ای گروه تفحص مجلس اسلامی راه بجایی نبرد و در هوا راه شد و بابک زنجانی بعد از آن همه داد و بیداد و سیاه کردن روزنامه ها و خبرگزاری های دولتی هیچ چیزی از او ستر نشد و همچنان در درون زندان اوین آب خنک می خورد ولی آفتابه دزدان مرتب داغ و درفش می شوند.

در گذشته محسن نوربخش بعنوان مدیر عامل موسسه تامین اجتماعی به خبرگزاری دولتی ایلنا می گوید: «ما بیش از چهار هزار میلیارد تومان در هر ماه مستمرا می پردازیم، این در حالی است که منابع سازمان از محل واریز حق بیمه ها در حدود شش هزار میلیارد تومان است و با این حال می بینیم که چه مشکلاتی را پیش رو داریم.»

بخشی از سخنان پایانی دکتر علی محمد آدابی، رئیس نظام پرستاری در نشست چالش های طرح تحول سلامت آمده است: «وزارت بهداشت بزرگترین انحصارگر در جهان است از آموزش تا قیمت گذاری تا فروش تا نظارت بر فروش را برعهده دارد و بر دولت هم فشار می آورد که بابت این انحصارگرایی همه منابع خود و سایر سازمانها را قربانی این وزارتخانه کند» و افزود: «کاری که احمدی نژاد با مملکت کرد و همه هزینه های خود را به پای نظام ریخت، اکنون وزیر بهداشت با دولت روحانی کرده و همه گرفتاری ها را به دولت وصل کرده و هزینه ها را به پای بیمه ها ریخته و چندی دیگر مشخص خواهد شد چه آسیبی به بنیان ها وارد کرده است» بطوری که «دولت به صورت هدفمند، از سال ۶۰ عرصه سلامت، رفاه و بهداشت را رها کرده و الان نتولیرالیستها در راس کارند و سرمایه داری را دنبال و از جیب ملت و نردبان دولت هزینه می کنند. هیچ آورده ای ندارند و بدون جیب دیگران هم قدرت مانور ندارند» و اضافه می کند: «الان در سازمان های بیمه ای، هم فامیل ها از پسر عمو تا برادرها جمع شده اند و با شعار من و ساقی به هم سازیم و بنیادش به هم ریزیم مشغول برنامه ریزی

اند و به یکدیگر اطلاعات پاس می دهند. متأسفانه آقایان از کمبود جمع جبری دانش عمومی در تامین اجتماعی سوء استفاده کرده و تصویب بند ز نتیجه همین عامل است اگر روند فعلی ادامه یابد، دیگر بازنشسته ها نمی توانند با حقوق یک میلیونی امورات خود را بگذرانند و راه حلی هم وجود ندارد» (۱۱)

می خواهم به صراحت بیان دارم: اینها برآند ما هر چه پول داشتیم، خوردیم و تمام شده و حالا این منبع عظیم تامین اجتماعی افتاده به دستمان، بدهید تا ماهم بخوریم یعنی همه حرف هاشون اینستکه؛ بی سر و صدا بخوریم. خوب در یک کلمه، تامین اجتماعی در حال نابودی پیش می رود. یعنی سرمایه بین نسلی بیش از شش دهه زحمتکشان کشور را می خواهند به همین صراحت و روشنی بالا بکشند و می خواهند جیب یک جامعه چهل میلیونی را هدف بگیرند و پولی که در جیب آنها نیست را طلب کنند. این هم یکی دیگر از دست آوردهای منفی سال ۹۶ حسن روحانی و همین جماعت بُو گندو است که به همین شکل با بدهی بالای ۱۸۰ هزار میلیارد تومان تا پایان سال دنبال شد و تا اینجای کار گذران معیشت، نیروی میلیونی بازنشستگان را با دشواری روبرو ساختند و مجبورشان نمودند که هر بار به خیابان بیایند و فریاد برآورند ما خواستار رفع تبعیض و ایجاد همترازی عادلانه حقوق بر اساس ضوابط شغلی، میان بازنشستگان فرهنگی قدیم و جدید و همسان سازی حقوق های خود هستیم. حقوق ها به ریاله، هزینه ها به دلار! و امروز یعنی بعد از پایان سال ۹۷ در ورود مان آستانه اول ماه مه، میزان بدهی دولت روحانی به سازمان تامین اجتماعی از دوره احمدی نژاد بیشتر شد و طبق آخرین گزارش خبرگزاری ایلنا از قول فتح الله بیات (رئیس اتحادیه کارگران قراردادی و پیمانی)، در تاریخ ششم اردیبهشت ۹۸ آمده است: «در بحث تامین اجتماعی حق و حقوق شاغلین و بازنشستگان رعایت شود اما دولت به سازمان تامین اجتماعی ۱۸۳ هزار میلیارد تومان بدهکار است»

روشنه که باقی ماندن علی ربیعی بر سر پست وزارت کار با یک رای اختلاف، در این دوره به فرض و مستقیماً، خانه کارگری ها را زیر نگرقتند ولی اینها فعلاً، برسر سازمان صندوق تامین اجتماعی به باند وزیر بهداشت و درمان حول طرح "سلامت درمانی" باختند. این در حالی است که اگر روسا و معاونان اصلی و آقا زاده هاشان فقط آخرین مدل پرورشه ها یا شرکت هایی را که در حوزه دارو سازی، اینور و آنور برپا کردند، همین دو قلم جنس شان را بفروشند یا از خصولتی خارج سازند و دو باره دولتی بکنند و دولت سهم خودش را بردارد و بقیه را به اینها بپردازد. واقعا مشکل کسری بودجه بهداشت و درمان به شکل موقت حل می شود ولی می بینیم که اینگونه عمل نمی کنند.

در یک کلمه می خواهم بگویم: در این عرصه هم دولت روحانی دستآوردی نداشته، جر اینکه دست بکند به دارایی موجود سازمان تامین اجتماعی که از دوره احمدی نژاد به این سو، همه این کار را کردند. این را بگویم: این دستبردن صدای انفجارش بسیار عجیب و عظیم خواهد بود. اصلاً ایران را زیر و رو خواهد کرد. یعنی اگر صندوق تامین اجتماعی فرو بریزد، چهل و دو میلیون زحمتکش ذینفع، فریادش به آسمان میرود و کائنات نظام اسلامی را زیر و رو خواهد کرد.

یکی دیگر از محور هایی که در مسائل کارگری در سال گذشته خیلی تاثیر گذار بود، مسئله نظام بانکی و بحران نظام بانکی است. بحران نظام بانکی چند سویه دارد که یک منظرش بالا کشیدن میلیاردی پول ها و خروجش از کشور است. همین به نحوی در ورشکستگی بخش های صنعت و مسکن و ارتقاء تولید سربازکرد. همین بحران در بخش ساختمان، خود بخود رشد بیکاری را دامن گستر نمود. هزاران نفر به خاطر اینکه، صاحبان کارخانه ها توانایی پرداخت، نرخ های خیلی بالای بهره بانکی را نداشتند، ورشکست شدند و کارگران حین کارشون را اخراج

نمودند. بخش بزرگی از کارگران به خاطر اینکه، تسهیلات بانکی به موقع و به دلیل وعده هایی که داده بودند، آن تسهیلات را پاس نکردند، به صف بیکاران پیوستند.

حالا پرسش اصلی این است که، چرا و به چه دلیل این تسهیلات داده نشد؟ یک دلیلش همین بحران بانکی است. وقتی یک شبه میلیارد ها دلار اختلاس صورت می گیرد و تا مدت ها صورت مسئله این دزدی ها لاپوشانی می شود، بحران نظام بانکی تا مرز فروپاشی هم پیش می رود. طبیعی است که یک چنین وضعیتی صدمات جبران ناپذیری به تولید و اقتصاد زده و باعث انبوه شدن بحران بیکاری در سراسر جامعه ایران گشته است.

حاصل کلام اینکه دولت روحانی در این عرصه هم هیچ دستاوردی نداشت. بعبارتی هر مضمون اجتماعی را طی تمامیت سال ۹۶ و ۹۷ مورد بررسی قرار دهید باورشکستگی روبرو می شوید. مثلا وعده هایی که حسن روحانی پیرامون منشور حقوق شهروندی داده بود.

شما ببینید اینها چه بلایی سر فعالان کارگری آوردند. از یک سو منشور حقوق شهروندی را به رُخ مردم و طبقه ما می کشند و از سوی دیگر چیزی را باب کردند که در تاریخ جنبش کارگری و جنبش های اجتماعی ایران سابقه نداشته است. اینها برای حدت بخشیدن به امر سرکوب و بالا بردن هزینه مبارزاتی فعالان اجتماعی در عرصه های گوناگون؛ دستگیریهایی پیشگیرانه را مصوبه کرده و عمل کردند. فکرش را بکنید. یارو را در خانه اش می گیرند؛ می پرسند چرا این فرد را گرفتید؟ می گویند: این موجودی است که ممکنه بعدا شر به پا نماید!

پرسش این است: مگر آدم ها حق و حقوق ندارند و مگر این بشر نیست. شما دارید اینگونه قصابی می کنید؟ این تازه دستاورد منشور شهروندی هوا کردن حسن روحانی است.

تمام دستگیری فعالین جنبش دانشجویی در فاصله دی ماه ۹۶، به بعد همه به همین نحو بوده است. یعنی بخش زیادی از این بازداشت ها جنبه پیشگیرانه داشته است. بازداشت های پیشگیرانه دقیقا مثل حمله جورج بوش رئیس جمهوری آمریکا بود که می گفت: ما میزنیم و نابود می کنیم و تا دمکراسی را به عراق بیاوریم. اندیشه بد که نداریم. بعدا تمام خاورمیانه را با همان سیاست پیشگیرانه از وجود این و آن دیکتاتور به خاک و خون می کشند.

در جمع بندی سر فصل های این بخش می خواهیم بگوییم: در دل تمامی بحران های سال ۹۶، بخش بزرگی دودش به چشم نیروی رنج و کار جامعه رفته و چوبش را همین محرومین جامعه و توده اعماق، نیروهای حاشیه شهری و جوانان بیکار صد ها شهر خوردند و بس، کشته هم دادند.

موج دستگیری ها در تمامی عرصه ها زنان - زنان خیابان انقلاب - دانشجویان دختر و پسر - معلمان - فعالان محیط زیست - کولبران و تیراندازی به آنان و بستن مرزهای کشور و جلوگیری از تردد کولبران، تهاجم به دست فروشان - فعالان حقوق کودک و خیابانی - فعالان کارگری اعم از سندیکایی و متشکل تا دیگران ... یورش به خانواده ها همه و همه محصول همین بلبشویی حقوق شهروندی ورشکسته دولت روحانی است.

یعنی نه تنها آزادی سندیکاهای و تشکل ها را به رسمیت نشناختند، هر بلغوری که بر سر منابر و پشت تریبون ها ادا کردند، تماما دروغ و چرت و پرت بود. بازداشتگاهها فربه تر شد. قبلا بازداشتی ها را اطلاعات و کمیته و سپاه می گرفت، الان خودشان و تمامی جک و جانور ها در همین مضمون پیشگیرانه سراغشان می روند و می گویند: ما می دانیم که شما در این حرکت نبودید. ما می دانیم که در خیزش دی ماه نبودید ولی تو را می گیریم چرا که اگر این خیزش و شورش از جای دیگری سر در آورد، تو جزو کسانی خواهی بود که سر از آنجا در می آوری و اعتراضات را سازمان می دهی و پتانسیل این را داری که نظام ما را بتوانی پائین بیاری ... می خواهم به صراحت بنویسم: در حوزه حقوق شهروندی، جامعه را به عصر شتر چرانی سوق دادند.

اینها گوشه ای از کار نامه سراسر سیاه و تباهی آور دولت روحانی است که این فضاقت را در نابودی صنعت نساجی و بافندگی و چای و چایکاری، تامین اجتماعی از خودش بجا گذاشت. یعنی کلید دولت "امید"، بدینگونه گره ها را و نمی کند که هیچ، بلکه چهار قفله می نماید. البته علت هم دارد... آنها اعم از بازار و آپارات روحانیت، آقا زاده ها و ژن ها اصلح و برتر، و عمه سپاه و بسیج؛ زورشان خیلی بیشتر از دولت است. آنها هستند که برای روحانی سیاست تعیین می کنند و وادارش می سازند تا این کار را بکند و آن کار را نکند...

سالی که گذشت، برخی بانکها و موسسات مالی، سپرده های میلیون ها نفر از پسانداز کنندگان ایرانی را بالا کشیدند. در این رابطه عباس آخوندی در گفتگو با روزنامه اعتماد اعلام می کند: «این اتفاق ظرف یک یا دو سال رخ نداده و روندی چند ساله داشته که در این مقطع به صورت یک دمل چرکین سرباز کرده است. تاریخچه این موسسه ها نشان می دهد که در ابتدای دهه ۸۰ تاسیس آنان آغاز شده و در سال های ۸۶ و ۸۷ به اوج خود می رسد و آثار آن در نهایت در سال های ۹۵ و ۹۶ به صورت گسترده نمودار می شود.» وی «شمار مال باختگان را بالای پنج میلیون نفر ارزیابی می کند که بخشی از آنها نیز در طغیان دی ماه گذشته شرکت داشتند. دولت با برداشت از منابع بانک مرکزی یازده هزار میلیارد تومان و به روایتی بیست هزار میلیارد تومان را به جبران خسارت مال باختگان اختصاص داد...» (۱۲)

ولی یک چیز دیگری هم اتفاق افتاد. اتفاقی که هیچ چیزی جز سرکوب، خون و خونریزی حاکمان، نمی تواند جلوی آن را بگیرد و آن اینکه ما به سمت همزمانی سر ریز بحران ابر چالش ها پیش می رویم. بحران نظام بانکی - بحران آب و برق - بحران صندوق های بازنشستگی - بحران گسترده تعطیلی صنایع - گسترش حاشیه نشینی و مهاجرت میلیونی روستائیان و افزایش بیکاری در سطح عمومی جامعه، گرسنگی و فقر و ... مصادیق پیشروی جامعه ما است. همه اینها با هم سر باز کردند و همزمان شدند. این پدیده همزمانی امر مهمی در شکل دادن به خیزش دی ماه ۹۶ و در وسعت بخشیدن بدان تاثیر گذار بوده است. باید نوشت: هنوز تعیین کننده نبوده ولی تاثیر گذار بود و هر چه این همزمانی عمیق تر، قوی تر و عظیم تر بشه، دامنه تاثیراتش بیشتر خواهد شد. در مقابل همه این ناکامی های خانه خراب کن است که جامعه ما را به آستانه انفجار رسید... شوخی هم نیست. انفجار ده روزه دی ماه ۹۶ «ده روزی که ایران را تکان داد»، صاعقه ای در آسمان بی ابر و بدون رعد و برق نبوده است! که بدان خواهیم پرداخت... در بخش دوم تلاش خواهیم ورزید که پیشزمینه های مبارزات کارگران و پیشروی مردم در سال ۹۶ و ۹۷ و افت و خیزها و جمع بندی سر فصل های بحث را در کنار واریسی سال روند تولید مورد داوری قرار دهیم. ادامه دارد....

دوشنبه ۹ اردیبهشت ۱۳۹۸ برابر با ۲۹ اپریل ۲۰۱۹

منابع:

(۱) - (سایت فارسی رادیو و تلویزیون بی بی سی، ۴ بهمن ۱۳۹۷)

<http://www.bbc.com/persian/iran-46987739>

(۲) - (خبرگزاری دولتی ایسنا، بادامچی: ۲۰ میلیون جوان ۱۵ تا ۲۹ ساله بیکار هستند، ۷ شهریور ۱۳۹۷)

<https://www.isna.ir/news/97060703343>

(۳) - (خبرگزاری فارس، دکتر ابراهیم رزاقی، استاد اقتصاد دانشگاه تهران، ششم شهریور ۱۳۹۶)

<https://www.farsnews.com/news/13960606000351>

(۴) - (سایت خبرگزاری تسنیم، احتمال بیکار شدن ۴۵۰ هزار نفر در صنعت قطعه‌سازی ۲۲ مرداد ۱۳۹۷)

<https://www.tasnimnews.com/fa/news/1397/05/22/1801305>

(۵) - (خبرگزاری پانا، چهارشنبه ۲۳ اسفند ۱۳۹۶)

<http://www.pana.ir/news/807014>

(۶) - (خبرگزاری دولتی مهر، چهارشنبه ۲۳ اسفند ۱۳۹۶)

<https://www.mehrnews.com/news/4251777>

(۷) - (خبرگزاری دولتی مهر، سه‌شنبه ۲۲ اسفند ۱۳۹۶)

<https://www.mehrnews.com/news/4250537>

(۸) - - (خبرگزاری دولتی مهر، جزئیات تجارت خارجی کشور در سال ۹۶/واردات ۵۴ میلیارد

دلاری، ۱۹/فروردین/۱۳۹۷)

<https://www.mehrnews.com/news/4266174>

(۹) - (خبرگزاری دولتی مهر، چین شریک اول تجاری ایران، ۱۳ اسفند ۱۳۹۷)

<https://www.mehrnews.com/news/4559404>

(۱۰) - (خبرگزاری کار ایران - ایلنا، گزارش ندا علیزاده، تخریب کاربری و تخریب... باغ چای کشور،

۲۱/فروردین/۱۳۹۷)

<https://www.ilnanews.com>

(۱۱) - (کانال تلگرامی اقتصاد در گذر زمان)

[@mokhtari ali m](mailto:mokhtari.ali.m)

(۱۲) - (گفتگو با عباس آخوندی، وزیر مسکن و شهر سازی، روزنامه «اعتماد»، اول بهمن ماه ۹۶)

<http://www.ghatreh.com/news/nn41074325>